

بن‌بست سیاست در سوریه

نیکنام ببری (دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل)

۷ اسفند ۱۳۹۵

شماره مسلسل: ۳۳۰۰۲۹۱

شماره شاپا: ۲۴۲۳-۵۳۸۵

متعاقب با افزایش تلاش‌های دیپلماتیک، تحرک نظامیان نیز در میدان جنگ افزایش یافته است. (۱) این امر یک شرایط هرج و مرج گونه غیرقابل مدیریت را در سوریه رقم‌زده است.

در یک چنین شرایطی این بار روسیه به همراه ایران و ترکیه پا پیش گذاشته و آغازگر و مبدع راه‌حل جدیدی برای حل بحران سوریه شده‌اند. مذاکره رودررو میان دو طیف اصلی درگیری در بحران سوریه از اصلی‌ترین راهکار سه قدرت ذی‌نفع در بحران سوریه است. این بار قرعه مذاکرات به نام قزاقستان و شهر تاریخی آستانه افتاده بود و مذاکرات به مدت دو روز با حضور گروه‌های میانه‌رو و نماینده دولت اسد در فضای نسبتاً آرام برگزار شد.

در چندوقن این مذاکرات باید گفت که برای نخستین بار سوریه شاهد صلحی نسبتاً بادوام شده است. شهرهای بزرگ این کشور از چند هفته گذشته با ابتکار عمل کرملین و آنکارا شاهد آرامشی راضی‌کننده بوده است. از این‌رو مذاکره شهر آستانه با مقدمه و ذهنیت مثبتی آغاز شد. از سوی دیگر قزاق‌ها طی سال‌های اخیر نشان داده‌اند که میزبانان خوش‌طینتی هستند. سرنوشت موفقیت‌آمیز مذاکرات هسته ایران با قدرت‌های جهانی که یک دور آن در شهر آستانه برگزار شد و تأثیر اساسی در حصول توافق نهایی داشت؛ امید رسیدن به توافقی همه‌جانبه میان گروه‌های سوری را افزایش داده بود.

در کنار آمادگی نیروهای سیاسی سوریه برای حل بحران، در بعد منطقه‌ای نیز شرایط برای توافق و صلح فراهم شده است. امروز عزم هر سه کشور ایران، روسیه و ترکیه برای خاتمه بحران انسانی در سوریه جزم است. روسیه در پی نشان دادن شوکت و عظمت گذشته‌اش در میان افکار عمومی جهان است که برخلاف آمریکا شعار نمی‌دهد و دنبال ثبات و آرامش جهانی است.

از سوی دیگر ترکیه با مشاهده خطر روزافزون جنگ‌سالاران داعش در درون مرزهای خود در پی تمام شدن هر چه سریع‌تر نمایش خون‌ریزی‌ها و کشتار در سوریه و خاک خود است. آنکارا نیک می‌داند که با زبانه کشیدن هر چه بیشتر شعله‌های بحران در سوریه، این شعله‌های بیش از هر کشور دیگری دامن خود را خواهد گرفت و از همین رو با کنار گذاشتن سیاست ابهام به جد دنبال خاتمه این بازی مرگبار است.

جمهوری اسلامی ایران نیز که از همان ابتدا کشورهای منطقه و جهان را به مبارزه با خطر افراط‌گرایان داعش فرامی‌خواند؛ امروز این امکان را با کنار هم گرفتن روسیه و ترکیه و از سوی دیگر به حاشیه رفتن محور متخاصم عربی،

مشهور است که جنگ پایان سیاست است. دولت‌ها و گروه‌ها زمانی به جنگ روی می‌آورند که امکان استفاده از سیاست به‌مثابه گفت‌وگو و مذاکره برای حل منازعه و اختلافات ممکن نباشد. این مسئله در دنیایی کنونی به‌صورت یک منطبق عمل برای حکومت‌ها درآمده است. عموم کشورها برای حل اختلافات خود تا حد ممکن از گزینه دیپلماسی استفاده می‌کند و زمانی که مسیر دیپلماسی منجر به حل منازعه نشد از آخرین حربه یعنی جنگ استفاده می‌نماید.

به نظر عکس این دیدگاه نیز مطرح است، یعنی جنگ نمودی از سیاست است و دولت‌ها از جنگ به‌عنوان ابزاری برای پیگیری اهداف سیاسی‌شان بهره می‌برند. کلاوزویتس تئوریسین مشهور نظامی جنگ را نه به‌مثابه امری مستقل، بلکه امری سیاسی می‌داند. در واقع غایت سیاسی جنگ بیرون از قلمرو جنگ است. بحران شش‌ساله سوریه ناکارآمدی هر دو نظریه را چه به‌مثابه اینکه جنگ گزینه آخر حل بحران است و یا ابزاری برای مقاصد سیاسی است؛ به اثبات رسانده است. تاکنون مذاکره و جنگ هیچ‌کدام گزینه‌های بخشی برای خروج از باتلاق سوریه نبوده‌اند. جنگ به کشتار و درگیری بیشتر انجامیده و مذاکره نیز به افزایش گره‌ها منجر گردیده است. تجربه مذاکرات شش‌ساله نشان داده که هر وقت دیپلمات‌ها صحنه میز مذاکره را ترک کرده‌اند، ناامیدتر از قبل به حل بحران نگریده‌اند و صرفاً با صدور بیانه‌ای نهایی اظهار امیدواری به حل بحران کرده‌اند.

پیدایی چنین وضعیتی راز تداوم بحران در سوریه را بیشتر مطمح نظر قرار داده و تحلیل‌گران را به کنکاش در خصوص ریشه‌های ناکارآمدی دیپلماسی و جنگ در حل نهایی بحران سوریه واداشته است. آنچه تاکنون مشاهده‌شده این است که

ممکن‌تر از هر زمان دیگری می‌بیند. بدین رو عزم و اراده سه طرف بازی جدی است.

با هماهنگی سه بازیگر ذی‌نفع بیرونی، یک ضلع از پازل بحران سوریه تکمیل شده و این قدرت‌ها باید به سراغ هماهنگ کردن گروه‌های داخلی بروند؛ امری که به‌وضوح در نشست آستانه با آغاز اختلاف نگرش گروه‌های مخالف اسد عیان شد. گروه‌های داخلی سوری هنوز بر سر چگونگی مبارزه با خطر تروریست‌ها، ارسال کمک‌های بشردوستانه به اجماع نهایی نرسیدند و هرکدام انگشت اتهام را به‌سوی دیگری نشانه می‌گیرند.

اسامه ابوزید از اعضای ارتش آزاد و عضو مذاکره‌کننده نشست آستانه، ضمن انتقاد از عملیات هوایی ارتش سوریه، ادامه روند مذاکرات و حضور در نشست ژنو را منوط به اجرای تعهدات و میزان وفاداری روسیه به آتش‌بس اعلام کرد. ابوزید همچنین خواستار برداشته شدن کلیه حمایت‌های خارجی از دولت اسد شد. از دید اعضای این گروه با تداوم حمایت‌های سیاسی و نظامی روسیه و ایران از دولت اسد، موازنه جنگ در سوریه به نفع نیروهای دولتی رقم خواهد خورد و این امر مانع از مذاکره پایاپای میان گروه‌های درگیر می‌شود.

در میان انتقادهای متعدد گروه‌های مخالف از دولت سوریه، بشار جعفری مخالفان جنگ‌جو را به قطع آب پنج میلیون شهروند سوری‌ای در دمشق متهم کرد. در برابر نمایندگان گروه‌های مخالف با رد این اتهامات و اعلام اینکه هیچ گروه شورشی در نزدیکی‌های قطع آب حضور ندارد؛ بمباران هوایی دولت سوریه را عامل اصلی انحراف جریان آب به‌سوی مردم دمشق دانستند. (۲) به‌این ترتیب نشست آستانه سرنوشتی متفاوت‌تر از نشست‌های پیشین نیافت و گروه‌های سوری به‌جای چانه‌زنی برای حل بحران به اتهام زنی و انتقاد از همدیگر پرداختند. فاصله عمیق خواسته‌ها و اولویت‌های بازیگران داخلی بحران سوریه، کورسوی امید را برای حل بحران حداقل در بازه زمانی کوتاه‌مدت و میان‌مدت زایل ساخته است.

در چنین شرایطی این رسالت کماکان بر دوش محور کرملین- آنکارا و ایران قرار دارد که هرکدام با سیاست‌های تشویقی و تنبیهی گروه‌های تحت حمایت خود را به پذیرش صلح و مذاکره مجاب سازند. بی‌گمان به‌غیراز داعش، گروه النصره و گروه‌های کرد که از بازی مذاکرات حاضر در سوریه خارج شده‌اند، بقیه گروه‌های بزرگ و دارای نفوذ، مستقیم و غیرمستقیم در حیطه نفوذ این قدرت‌ها است.

ترکیه مهم‌ترین حامی ارتش آزاد و جیش الاسلام است که توانست در همین دور از مذاکرات آستانه نظر اعضای بلندپایه این گروه‌ها را به حضور در مذاکره جلب نماید. گفتنی است این گروه‌ها نسبت به فلق الرحمن، جیش الفتح و دیگر گروه‌های افراط‌گرا از مواضع نرم‌تری برخوردارند. از این رو مشارکت این گروه‌ها در روند صلح سوریه می‌تواند نقش تعیین‌کننده در خاتمه‌دیرگیری در این کشور داشته باشد.

از سوی دیگر بشار اسد با فرستادن نماینده‌اش در نشست آستانه و اعلام پیش‌شرط‌هایی همچون لزوم مقابله با تهدید تروریست و احترام به تمامیت ارضی سوریه، آمادگی دولتش را برای خروج از وضعیت پیش‌آمده نشان داد. هم‌اکنون دولت سوریه در بهترین وضعیت ممکن از لحاظ سیاسی و نظامی قرار دارد. آزادسازی شهر بزرگ حلب از حضور تروریست‌ها این پیام را به جامعه جهانی رساند که دولت سوریه کماکان قدرتمندترین نیروی زمینی جهت غلبه بر تروریست‌های افراطی است.

در کنار این مسئله باید به پذیرش تدریجی اسد در محافل غربی نیز اشاره کرد که اندیشکده‌های غربی و اتاق فکرهای فعال، مدام این نکته را به گوش سیاستمداران تکرار می‌کنند که باید با تجربه از ماجرای عراق و انحلال ارتش بعث، مانع از فروریزی کامل ارتش سوریه شد. با این فرض ضروری است که دولت آمریکا با کنار گذاشتن سیاست ابهام و دو دلی به‌طور رسمی پذیرش اسد در قدرت گردن نهد. (۳)

گام بعدی قدرت‌های ذی‌نفع در سوریه پس از پذیرش نقش اسد و گروه‌های میانه‌رو در حل بحران باید برقراری یک معادله سیاسی دقیق و هوشمند باشد. به نظر می‌رسد هنوز این آمادگی در میان روسیه، ترکیه و آمریکا برای تعیین مدل حکومتی در سوریه برقرار نشده است. روسیه و ایران باید به سمت اقناع‌سازی دولت سوریه برای به‌بازی گرفتن گروه‌های مخالف میانه‌رو حرکت کنند و از طرف دیگر ترکیه و آمریکا نیز گروه‌های تحت حمایت خود را به پذیرش اسد و مشارکت در فرایند سیاسی سوریه راضی سازند.

همه این قدرت‌ها باید به خاطر داشته باشند که ماهیت بحران در سوریه سیاسی است و با وجود رخنه تروریست‌ها به خاک این کشور، گروه‌های سیاسی به دنبال رفورم سیاسی هستند. هم‌اکنون کردهای سوریه در شمال سوریه حکومت خودمختار تشکیل داده‌اند. خواسته این گروه‌ها فراتر از مسئله مبارزه با داعش است و به دنبال احقاق حقوق سیاسی و اقتصادی‌شان هستند. گروه‌های میانه‌رو سوریه نیز خواسته‌ای سیاسی و حقوقی دارند. این گروه‌ها ضمن خواستار توقف هرگونه

حملات هوایی و زمینی به مناطق جنگی به دنبال اصلاحات واقعی و ریشه‌دار حکومتی در سوریه هستند. این مهم نیازمند همراهی تمامی بازیگران بزرگ است.

منابع

- ۱- <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-analysis-idUSKBN0TF۱۱J۲۰۱۵۱۱۲۶>
- ۲- <http://www.aljazeera.com/news/۲۰۱۷/۰۱/a-stana-summit-opposition-sets-demands-talks-۱۷۰۱۲۴۱۶۳۵۳۸۱۴۶.html>
- ۳- <http://edition.cnn.com/۲۰۱۶/۰۹/۰۵/middleeast/syria-no-truce-analysis/>

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.
متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.